

مدیریت راهبردی تقریب در افغانستان (تحلیل SWOT)

روح الله حمیدی^۱

محمد انور جعفری^۲

چکیده

استفاده از ظرفیت‌های راهبردی جهان اسلام و بازسازی تمدن نوین اسلامی، به تمرکز بر تقریب مذاهب و تحقق اتحاد و اخوت اسلامی نیازمند است؛ افغانستان به عنوان یکی از کشورهای مهم جهان اسلام که همواره در محراب حوادث و رویدادهای چالشی بین-المللی بوده و محل تلاقی تمدن‌ها و احیاناً نبرد تمدنی بوده است، می‌تواند با توجه به راهبردها و رویکردهای مختلف در زمینه تحقق اتحاد مسلمانان و احیای تمدن نوین اسلامی بازوی توانمند جمهوری اسلامی باشد و یا برعکس بر اثر بی‌توجهی، به مانع عمده

^۱. دانش پژوه دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه،

r.hamidi۷۸۶@yahoo.com

^۲. دانش پژوه دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه

Mohammadavar۳۲@gamil.com

در این مسیر تبدیل گردد؛ لذا امنیت و همسویی افغانستان با اهداف اتحاد اسلامی و مباحث تمدنی مقدمه امنیت جهان اسلام و اتحاد مسلمانان جهان و در نتیجه احیای تمدن نوین اسلامی است؛ از سویی، همسویی افغانستان با این هدف دارای پیش‌نیازهایی چون امنیت پایدار در این کشور و اعمال راهبردهای مؤثر تقریبی است که مبتنی بر شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها در این کشور است. تحقیق حاضر به هدف شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و نقاط ضعف راهبردهای تقریبی در کشور افغانستان با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی انجام یافته و برآیند آن بیانگر این است که در افغانستان فرصت‌ها و تهدیدهای تقریبی تعیین‌کننده‌ای وجود دارند و این کشور دارای نقاط ضعف و قوت در سه حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست در خصوص راهبردهای تقریبی و اخوتی است که با مدیریت صحیح (swot) در این کشور، می‌توان راهبردهای تقریبی را به سرانجام مطلوب رسانید.

کلیدواژه: راهبرد، تقریب، تحلیل سوات، افغانستان.

مقدمه

ضرورت وحدت و پرهیز از اختلاف برای اعتلای امت‌ها، بر هیچ‌کس پوشیده نیست. سعادت و شقاوت ملت‌ها در گرو وحدت یا تفرقه آنان است و همواره در طول تاریخ آن ملتی به سعادت‌مندی رسیده است که باهم برادر بوده‌اند و هرگاه در مسیر تفرقه حرکت کرده به همان اندازه از سعادت فاصله گرفته‌اند. نگاهی اجمالی به شرایط کلی جهان اسلام و مسلمانان نشان‌دهنده عزم راسخ و جدی دشمنان برای ایجاد اختلاف و تفرقه است و در این مسیر درصدد مهیا کردن رخنه و سو استفاده از فرصت هستند. شخصیت‌های

برجسته جهان اسلام همانند سیدجمال افغانی و امام خمینی با درک این موضوع، تلاش - های بسیار و موثری را در راستای تقریب مذاهب اسلامی و ریشه کن کردن درخت نفاق از کشتزار حاصلخیز اسلام انجام دادند. اکنون که تحقق اهداف دشمن و مستکبرین عالم با نفاق بین مسلمین عالم گره خورده است و راهبرد آنها متمرکز بر نفاق بین جوامع اسلامی است؛ پس ضرورت تقریب و وحدت بین گروه ها و شعبات امت اسلامی بیش از پیش احساس می گردد.

تحقیق حاضر به هدف طرح استراتژی مدیریت تقریب در افغانستان انجام خواهد شد و در همین راستا به بیان فرصت ها، تهدیدها، نقاط قوت و نقاط ضعف تقریب و توحید در کشور افغانستان را به تبیین و تحلیل خواهد نشست. نگارنده ضمن بررسی و تحلیل سوات در راهبرد تقریب در افغانستان، در صدد طرح و ارائه استراتژی تقریب در این کشور است. روش استفاده شده در تحقیق کیفی و اسنادی است که با مطالعات منابع و چشم دیدهای نگارندگان، تحقیق حاضر در پی یافتن جواب به سوال تحقیق است.

مفاهیم

مدیریت راهبردی

پیدایش مفهوم مدیریت راهبردی در ادبیات جهانی به دهه ۱۹۵۰ و ۶۰ بازمی گردد؛ جایی که نویسندگانی نظیر پیتر دراگر، فیلیپ سلزینک، آلفرد، چندلر، آیگور آنسوف، خشت های این ساختمان را بنا کردند (کچیل، ۲۰۱۰: ۲۲). در سال ۲۰۱۱ گلاک، کافمن و والک مدیریت راهبردی را فرآیند تصمیم سازی، مدیریت عملیاتی روزانه و پلی میان وضع موجود و مطلوب هر سازمان دانستند (ابراهیم، پور، ۱۳۹۰:

۹). مدیریت راهبردی عبارت است از: بررسی (محیطی) هم محیط داخلی و هم محیط خارجی (تدوین راهبرد)، برنامه‌ریزی بلندمدت ارزیابی و کنترل. بنابراین، مدیریت راهبردی بر نظارت و ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای خارجی در سایه توجه به نقاط قوت و ضعف یک سازمان، تأکید دارد؛ به‌طورکلی؛ مدیریت راهبردی شامل: برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل برنامه‌ریزی‌های راهبردی است (نصیری یار، ۱۳۸۸).

تقریب مذاهب

تقریب از قرب به معنای نزدیک کردن دانسته شده است. همچنین مذاهب جمع مذهب است و مصدری دانسته شده که به معنی رفتن یا مکانی برای رفتن است؛ بنابراین مقصود از مذاهب اسلامی آن دسته از مکاتب اعتقادی و فقهی معروف اسلامی هستند که دارای نظام اجتهادی منسجم و مستند به کتاب و سنت هستند (سیاوشی و اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۷۰). تقریب مذاهب اسلامی به معنای نزدیکی پیروان مذاهب اسلامی به‌منظور آشنایی با یکدیگر از طریق تحقق همدلی و برادری بر پایه اصول مشترک، ثابت و مسلم اسلامی است (تسخیری، ۱۳۸۷: ۲۱). منظور از تقریب در بُعد علمی فرهنگی برطرف کردن موانع اختلاف با در نظر گرفتن منافع مسلمانان در برابر دشمنان اسلام است.

تحلیل swot

واژه (swot) از کنار هم قرار دادن حروف اول Strengths (نقاط قوت)، Weaknesses (نقاط ضعف)، Opportunities (فرصت‌ها) و threats (تهدیدها) ساخته شده است. استفاده از این فن کمک می‌کند که به نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها پی ببریم و فرصت‌های پیش رو را بشناسیم و تهدیدهای احتمالی را به‌صورت

هوشمندانه مدیریت نماییم. تحلیل **swot** عبارت است فرایندی که کمک می کند عوامل درونی و عوامل بیرونی دخیل در یک موضوع را کنار هم بسنجیم و ارتباط بین آنها را به گونه ای مؤثر مورد استفاده قرار دهیم. بنابراین، تحلیل سوات ابزاری برای تصمیم گیری استراتژیک است و به صورت گسترده در برنامه ریزی های استراتژیست ها مورد استفاده قرار می گیرد (وامقی و مرندی، ۱۳۸۹: ۱۷۱). کاربرد این ابراز در تحلیل نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت ها و تهدیدهای موجود مدیریت راهبردی تقریب در افغانستان بسیار حائز اهمیت است.

افغانستان

افغانستان کشوری واقع در جنوب آسیا با مساحت ۶۴۷۴۹۷ کیلومترمربع است که روزگاری بخشی از سرزمین خراسان قدیم محسوب می شد. این کشور از غرب با جمهوری اسلامی ایران و از شمال با کشورهای ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان، از شمال شرق با چین و از جنوب و جنوب شرق با پاکستان دارای مرز مشترک هست (عزیزی، ۱۳۸۷: ۱۹). این کشور محصور در خشکی بوده و هیچ راهی به دریا ندارد و از چهار طرف با مرزهای خاکی محدود می شود ۷۰ درصد این کشور کوهستانی است. دین ۹۹ درصد مردم افغانستان اسلام است. از نظر تنوع قومی، افغانستان سی و هفتمین کشور جهان به شمار می آید که اقوام متعددی در این کشور ساکن هستند. عمده ترین و معروف ترین آنها عبارت است: ۱- افغان که به آنها پشتون هم می گویند و بیشتر در مناطق شرق و جنوب افغانستان سکونت دارند و از نظر قومی بزرگ ترین گروه قومی محسوب می شود و از نظر مذهبی سنی اکثراً پیرو مذهب حنفی هستند. ۲- تاجیک دومین قوم بزرگ در مناطق شمال و غرب افغانستان سکونت دارد. آنها فارسی زبان و از نظر مذهبی پیروی حنفی هستند. ۳- هزاره سومین قوم بزرگ در افغانستان است که آنها

بیشتر در مناطق مرکزی و شمال افغانستان سکونت دارند؛ هزاره‌ها از نظر مذهبی شیعه دوازده‌امامی هستند و اقلیت سنی و شیعه اسماعیلیه است و به زبان فارسی دری تکلم دارند. ۴- ازبک‌ها چهارمین قوم بزرگ هستند و آن‌ها در مناطق شمال افغانستان سکونت دارند. این قوم از نظر مذهبی پیروی مذهب حنفی می‌باشند و از نظر زبانی ترک‌زبان هستند (ناصری داودی، ۱۳۹۸: ۳).

تحلیل سوات تقریب در افغانستان

در ادامه به تحلیل سوات مدیریت راهبردی تقریب مذاهب در افغانستان پرداخته خواهد شد. در این بخش نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای پدیده تقریب مذاهب در افغانستان بررسی و تحلیل می‌شوند. تحلیل مورد نظر در سه حوزه فرهنگ، سیاست و اقتصاد با توجه به پارامترهای موجود در افغانستان تحلیل و بررسی خواهند شد.

فرصت‌ها

فرصت‌های تقریبی در افغانستان را می‌توان در سه حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست جستجو و احصا کرد.

الف- حوزه فرهنگ

فرهنگ بیان‌گر هویت یک جامعه است و باید از آن مراقبت کرد. فرهنگ مردم افغانستان نیز بیانگر هویت مردم این کشور هست. فرهنگ مردم افغانستان یک فرهنگ اصیل و قدیمی و باستانی است و متفاوت‌ترین فرهنگ‌ها را کشور افغانستان دارا هست. این

فرهنگ در تمام مراحل زندگی مردم افغانستان جاری و ساری است. به طور نمونه فرهنگ دین، زبان، هنر و آداب رسوم از قبیل مهمان نوازی، ازدواج، ارتباطات خانوادگی، احترام به بزرگان، موسیقی خاص، غذاها و ... بیانگر فرهنگ مردم این کشور است این آثار مشترک و زنده می تواند بنیانی برای وحدت را فراهم نماید.

باید گفت که برای توفیق اجرایی ساختن تقریب از دریچه فرهنگ، توجه ویژه به داعیه «ایران فرهنگی» و «ایران تاریخی» امر مهم و حیاتی است. حدود جغرافیایی ایران فرهنگی و تاریخی ایران، تاجیکستان، ترکمنستان، افغانستان و بخش هایی از پاکستان، آذربایجان، قفقاز و هند و قسمت هایی از عراق و ترکیه است. (حاجیان، ۱۳۹۴: ۶۱). در کشور افغانستان فرصت های فرهنگی درخور توجهی وجود دارند که در ادامه به بررسی گرفته می شوند.

۱. زبان

در کشور افغانستان، زبان همواره در کنار قومیت و مذهب از پارامترهای اصلی و محوری نزاع و کشمکش های متعدد بوده است که این محوریت، ناشی از ارتباط تنگاتنگ بین زبان، دین و نژاد است. زبان با روح یا جان جماعت ها سروکار دارد (بووا، ۲۰۰۲: ۳). کشورهای ایران، افغانستان و تاجیکستان خواستگاه زبان فارسی است و همکاری میان این سه کشور در حوزه فرهنگ و زبان یک فرصت ارزنده ای را در افغانستان ایجاد می کند که می توان از این منفذ برای عملیاتی سازی اهداف تقریبی در این کشور بهره برد.

۲. دانش

سرزمین افغانستان در طول تاریخ مهد علم و پرورش دانشمندان زیادی بوده است که از جمله می توان به ابوعلی سینا، سنایی غزنوی، فارابی، ابوریحان بیرونی، خواجه عبدالله

انصاری، محمد جلال‌الدین بلخی و ده‌ها دانشمند دیگر اشاره کرد که در افغانستان آن روز زاده شدند، پرورش یافتند و خدمات زیادی به جهان اسلام و بشریت ارائه کرده‌اند. این سابقه فرهنگی و تمدنی بیان‌گر ارزش علم‌آموزی در بین مردم افغانستان است. در بیست سال اخیر فرصت علم‌آموزی در بخش‌های وسیع از سرزمین افغانستان فراهم شده بود و حتی‌الامکان مردم از این فرصت استفاده نمودند. اکنون کشورهای همسایه از جمله ایران در خاورمیانه و منطقه از نظر علمی در سطح بالایی از تولید علم قرار دارند و هزاران نفر از دانشجویان افغانستان در دانشگاه‌های ایران مشغول به تحصیل هستند که این یک فرصت طلایی برای برنامه‌ریزان حوزه تقریب است تا با استفاده از آن، برای انتقال افکار تقریبی در میان توده مردم افغانستان استفاده کرده و زمینه را برای اجرایی سازی راهبرد تقریب در این کشور فراهم آورند.

ب- در حوزه اقتصاد

اقتصاد همواره یکی از مهم‌ترین ابزارها برای تقریب و یا تبعید انسان‌ها بوده است. برقراری مناسبات اقتصادی میان ملت‌ها و طیف‌های مختلف مردم زمینه تعاملات فرهنگی و سیاسی آنان را نیز فراهم کرده و تعامل سازنده در این زمینه به تعارف و شناخت مردم از همدیگر کمک می‌کند. طبیعی است که در صورت شناخت دقیق ملت‌ها و اقوام از یکدیگر، زمینه‌های تعصب از میان برداشته‌شده و عرصه برای تسالم و توافق که همان تقریب است، فراهم می‌گردد.

در تقریب بین مذاهبی با استفاده از فرصت‌های اقتصادی، ایران به‌عنوان رهبر شیعیان جهان فرصت‌های بی‌نظیری در افغانستان دارد؛ زیرا این کشور یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری افغانستان است و توافق‌نامه چابهار بین ایران، هند و افغانستان یکی از مهم‌ترین

طرح‌های مشترک اقتصادی است (سینایی و جمالی، ۱۳۹۷: ۷۶). افغانستان را می‌توان منبع ثروت‌یابی و تأمین امنیت ملی ایران تصور کرد؛ زیرا افغانستان از لحاظ منطقه‌گرایی اقتصادی و پیوندهای مختلف فرهنگی، سیاسی، عضویت در اتحادیه‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای و همچنین با توجه به همسایگی علایق و سلاطین اقتصادی باشندگان دو کشور، پذیرای کالاهای ایرانی است، همچنین به دلیل اینکه این کشور به دلیل نبود زیرساخت‌های اقتصادی و توسعه در حال حاضر قادر به تولید کالا نیست، بازار مهم برای اقتصاد ایران به شمار می‌رود، علاوه بر این، همگرایی منطقه‌ای ایران با افغانستان و تحرک در روابط با آسیای مرکزی، افغانستان را به مرکزی برای صادرات ایران به بازار وسیع و تشنه آسیای میانه تبدیل خواهد کرد (عباسی و رنجبردار، ۱۳۹۰: ۲۱۴ و ۲۱۵). بررسی شاخص‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی افغانستان نشان‌دهنده این است که حضور نظامیان خارجی، نه تنها به «بهبود وضعیت امنیتی، کاهش مواد مخدر و اشتغال پایدار» منجر نشده است، بلکه برعکس، «آمار کشته‌شده‌های غیرنظامیان، تولید مواد مخدر و بیکاری» به شکل بی‌پیشینه‌ای افزایش یافته است (رامیار و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۷).

در طول تاریخ میان مردم افغانستان و ایران و مردم افغانستان بین خودشان تعاملات اقتصادی فراهم بوده است. از مناطق هزاره نشین (شیعه‌نشین) در افغانستان، محصولات کشاورزی و دامی به شهرهای مختلف مثل قندهار و کابل فرستاده شده و متقابلاً از این شهرها محصولات مثل مصنوعات و رخت به مناطق مذکوره حمل می‌گردید. این تجارت زمینه را برای تعامل مردم بیشتر کرده و تعصباتی آکنده از دروغ را برطرف می‌کرد. برای همین است که الآن در شهرهای افغانستان به دلیل حضور اقتصادی هزاره‌ها و شیعیان، تعصب کم‌تر است و زمینه برای طرح مسائل تقریبی فراهم است؛ اما در دهات دوردست که مرادوات اقتصادی فراهم نبوده است، افرادی وجود دارند که از شیعیان شناخت

غیرواقعی دارند و شیعیان را کافر می‌پندارند و زمینه طرح مباحث تقریبی از اساس منتفی است. افراط‌گرایان که بیشتر از همان دهات دوردست به میدان سیاست آمده‌اند، اکثریتشان چنین مفکوره‌های تنگ‌نظرانه‌ای دارند.

باین‌همه، فقر و بیکاری در کنار سایر عوامل، فرصت‌های اقتصادی برای ایران در افغانستان فراهم می‌آورد که با بهره‌گیری از آن‌ها می‌توان زمینه را برای طرح و اجرای راهبردهای تقریبی به سرانجام رسانید. فرصت سرمایه‌گذاری تجار ایرانی در افغانستان، سهم‌گیری ایران در بازسازی افغانستان، انتقال مهارت‌های کشاورزی و دامداری به دهات افغانستان، ساخت سد و جاده در این کشور و تشریک‌مساعی در استخراج و فراوری منابع و معادن غنی افغانستان را می‌توان فرصت‌هایی دانست که علاوه بر ایجاد ستاده‌های اقتصادی، عرصه را برای فعالیت‌های تقریبی آماده می‌سازد. البته استفاده از این فرصت‌ها مشروط است که از تمامی اقوام افغانستان به ویژه اقوام محروم در این عرصه‌ها با پشتیبانی ایران به کار گرفته شوند؛ زیرا هدف اصلی، تعامل و تقریب مردم افغانستان با همدیگر و ایجاد زمینه برای زندگی مسالمت‌آمیز آن‌ها است نه چیز دیگر.

ج- در حوزه سیاست

نوع ترسیم منافع و در پی آن رویکردهای سیاسی دولت‌های مسلمان در قبال یکدیگر زمینه را برای تقریب یا تبعید ملت‌ها فراهم می‌سازد. در طول تاریخ منافع دولت ایران در افغانستان، بیشتر در قالب رویکرد سیاسی-امنیتی و نه اقتصادی تعریف می‌شود؛ درحالی‌که منافع و رویکرد دولت افغانستان در ایران بیشتر اقتصادی است و این تفاوت منافع ناشی از تفاوت در ساختار سیاسی و اولویت‌های سیاست خارجی دو کشور است (یوسف زهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۰). این تفاوت در منافع همواره باعث شده است تا

سیاست جمهوری اسلامی در طول تاریخ در افغانستان مقطعی و مبتنی بر خط‌مشی‌های کوتاه‌مدت باشد نه راهبردی و استراتژیک. این نوع سیاست‌گذاری باعث آسیب‌های زیادی برای هزاره‌های افغانستان نیز گردیده است؛ از انشعابات و نفاق داخلی بین شیعیان گرفته تا قلع و قمع آن‌ها به جرم شیعه بودن و زدن بر چسب‌هایی مثل جاسوس ایران و غیره. این در حالی است که در حوزه سیاست‌گذاری ایران در افغانستان با رویکرد تقریبی، باید با دید بلندمدت نگریده شود تا حداقل بتوان با تقویت شیعیان افغانستان زمینه را برای استفاده از قابلیت‌های تقریبی فراهم کرد و از فرصت‌های بی‌نظیر ایران در این عرصه بهره برد.

دشمنان و رقیبان جهانی و منطقه‌ای ایران نیز از فرصت‌های سیاسی ایران در افغانستان آگاه است. به تعبیر یکی از اندیشمندان: واشنگتن از فرصت‌های ایران در افغانستان آگاه است و می‌داند که در صورت تداوم حضور و نفوذ ایران در ابعاد مختلف به‌ویژه سیاسی - نظامی در افغانستان، ایران در نهایت یک پل زمینی ۲۰۰۰ مایلی از لبنان تا سوریه، عراق و تا افغانستان خواهد داشت؛ به‌زعم آمریکا، موقعیت و نفوذ ایران در افغانستان مرهون حضور نظامی آمریکا در این کشور است؛ لذا باهدف محدودسازی استراتژیک ایران، افغانستان را تخلیه کرده است (سلیمانی پور لک، ۱۴۰۰: ۲۵۱). حال ایران مانده است و گروه‌های افراطی. درحالی‌که در ۲۰ سال گذشته فرصت‌های عالی وجود داشت تا زمینه - سازی برای نفوذ بر سایر اقوام و مذاهب در افغانستان کرده و تقریب را راهبری کند.

تهدیدها

تهدیدهای فراروی تقریب در افغانستان نیز بسان فرصت‌ها ریشه بیرونی (بیرون از پدیده تقریب) دارند و در افغانستان بسیار فراوان هستند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

الف- در حوزه فرهنگ

بزرگ‌ترین تهدید در برابر تقریب در افغانستان مفکوره‌های تنگ‌نظرانه است؛ بنا به عقاید برخی رهبران مذهبی، عرف و طبیعت اهالی هر منطقه از دلایل شرعی و منبع قانون‌گذاری است، اما آنان در این زمینه با تنگ‌نظری خاصی، عرف را محصور کرده و عرف و فرهنگ پشتون را به تمامی اهالی افغانستان تسری می‌دهند و نهایتاً معتقدند که عرف پشتون از منابع قانون‌گذاری در افغانستان باشد (حقانی، ۱۴۰۱: ۵۶-۵۸). علاوه براین، تهدیدهای دیگری را نیز می‌توان برای تقریب در این کشور برشمرد که در ادامه بدانها پرداخته می‌شود.

دین

در گذشته و امروز تهدیدات زیاد فرهنگی ازجمله در گرایش‌های دینی و مذهبی در افغانستان وجود داشته است و اکنون نیز قدرتمندتر از گذشته وجود دارد؛ یکی از تهدیدات دینی افراط‌گرایی دینی است که به دلیل همین افراط‌گرایی، هزاران نفر در افغانستان قربانی شده‌اند. بیست سال پیش وقتی طالبان از آمریکا شکست خورد، رهبر این گروه ملا محمد عمر در یک سخنرانی بیان داشت که خداوند حکومت را به ما عطا کرد و ما نتوانستیم از آن محافظت کنیم، ما به دیگران ظلم کردیم زیرا تلاش کردیم با شلاق زدن مردم، شریعت را اجرا کنیم، بدون اینکه خود به این احکام عمل کنیم (فرمانیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۲۲). افراطی‌گری و گرایش به انحرافات دینی که توسط دستگاه‌های

جاسوسی استکبار جهانی یعنی آمریکا و متحدانش در قالب داعش و ... ساخته شده و می‌شود، می‌تواند تهدیداتی را در افغانستان ایجاد نماید و مانع تقریب میان اقوام مسلمان افغانستان گردد. تلاش‌هایی از این دست باعث شده است که بسیاری از رهبران مذهبی تحت تأثیر آن‌ها عمل به غیر از مذهب حنفی همواره برای مردم افغانستان را عار دانسته و حتی ازدواج حنفی مذهبان با غیر احناف را نیز عار و ننگ قلمداد کنند (حقانی، ۱۴۰۱: ۵۲).

آموزش

از جمله تهدیدات فراروی تقریب در افغانستان می‌توان به دیدگاه خاص طالبان نسبت به آموزش علوم جدید و آموزش دختران اشاره کرد. حکومت طالبان تمام مدارس دولتی بخصوص مدارس دخترانه را در دوره اول حکومتشان (بیست سال قبل) بستند. رهبران این گروه نسبت به مدارس دولتی بسیار بدبین بودند. در برخی مدارس به دانش آموزان گفته می‌شد بگویند «مرگ بر مکتب» و کسی اجازه نداشت فرزندانشان را به مدرسه بفرستند (فرمانیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۲۳ و ۳۲۴). این نگرش در مورد تحصیل مردم افغانستان در سراسر افغانستان به صورت فراگیر وجود داشت و در حال حاضر با بستن در مدارس به روی دختران این تهدیدها به صورت بالفعل و بالقوه پابرجا است که باعث می‌شود مردم از تحصیل علم و آگاهی بدور بمانند که خود عامل بسته ماندن اذهان و باقی ماندن نفرت و نفاق بین آحاد جامعه افغانستان است.

زبان

موضوع زبان در افغانستان می‌تواند یک فرصت باشد و یا یک تهدید؛ مردم افغانستان به زبان‌های مختلف تکلم می‌نمایند و مهم‌ترین آن‌ها زبان پشتو، فارسی دری، ازبکی است

که جزء فرهنگ عموم اقوام مسلمان افغانستان هستند. اما از زمان حاکمیت امان‌الله خان که تحت تأثیر افکار ناسیونالیستی محمود طرزی قرار داشت؛ تلاش کرد زبان فارسی را که سال‌ها زبان رسمی و اداری در افغانستان بود حذف نماید و زبان پشتو را جایگزین زبان فارسی دری کند (سینا، ۱۳۹۸: ۲). این تفکر در دوران پادشاهان بعد نیز ادامه پیدا کرد و هم‌اکنون نیز زبان فارسی در ادارات محدود شده است که این یک تهدید اساسی از ناحیه فرهنگ و زبان در افغانستان محسوب می‌شود. مبرهن است که این تهدید باعث از بین رفتن فرصت استفاده از ظرفیت اشتراک زبانی مردم افغانستان با ایران در حوزه تقریب می‌گردد.

ب- در حوزه اقتصاد

تهدیدهای راهبردی در حوزه اقتصاد فراوری عملیاتی‌سازی تقریب در افغانستان با مدیریت و رهبری ایران فراوان است. چنانچه قبلاً نیز بیان گردید، اقتصاد یکی از مؤثرترین ابزارهای نفوذ و کنترل و در پی آن اجرایی‌سازی راهبرد تقریب در هر جامعه به‌خصوص جامعه محروم افغانستان است. یکی از مهم‌ترین تهدیدها فراوری تقریب در افغانستان در حوزه اقتصادی، تهدیدهای قدرت‌های فرامنطقه‌ای و جهانی است که در راستای تأمین منافع اقتصادی و کنترل بازار افغانستان، در خارج از مرزهای افغانستان نیز دخالت‌های سیاسی و امنیتی را در استخدام منافع اقتصادی درمی‌آورند. به‌عنوان نمونه طرح خاورمیانه بزرگ به همین هدف بوده است که ذیل آن طرح تشکیل «بلوچستان بزرگ» با همکاری نهادهای امنیتی آمریکا و اسرائیل سیاستی است که در طول بیش از دو دهه گذشته، با بهره‌گیری از پتانسیل شکاف قومی در منطقه و ایده تعلق قوم بلوچ به سرزمین واحد و هویت مستقل از حکومت‌ها، برای مقابله با سرمایه‌گذاری‌های انرژی چین و هند در سواحل مکران دنبال شد (رفیع و بختیاری جامی، ۱۴۰۱: ۱۴). چین نیز به‌عنوان قدرت

فرا منطقه‌ای رقیب نخست ایران در صادرات کالا به افغانستان و قراردادهای استخراج معادن در این کشور است (یوسف زهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۹).

قدرت‌های منطقه‌ای به‌خصوص کشورهای حوزه خلیج فارس تهدید جدی‌تری برای راهبرد اقتصادی ایران به هدف تقریب مذاهب در افغانستان هستند؛ زیرا این کشورها علاوه بر مباحث اقتصادی، نفوذ ایدئولوژیک عمیقی بر مردم افغانستان دارند که می‌توانند از آن برای نفوذ اقتصادی و نفاق بین مذاهبی نیز استفاده کنند. سیاست‌های دولت‌های افغانستان نیز معمولاً بر پایه جلب حمایت این بخش از کشورها بوده است. چنانچه اشرف غنی در دوران ریاست‌جمهوری‌اش بیان داشت: ما در پی ترغیب عربستان سعودی، امارت متحده عربی و دیگر کشورها هستیم که برنامه مصونیتی غذایی‌شان را با سرمایه - گذاری درازمدت در سکتور زراعت ما مرتبط سازند (مشیرزاده و عارفی، ۱۴۰۰: ۳۳۸). مبرهن است که کشورهای حوزه خلیج فارس با امکانات اقتصادی و سرمایه‌ای که دارند توان بالایی نفوذ اقتصادی در افغانستان دارند تا ضمن تطمیع جمع کثیری از مردم، زمینه - های همگرایی و تقریب آن‌ها را با جامعه تشیع آن کشور برای جلوگیری از نفوذ تشیع و ایران در افغانستان فراهم سازند.

تهدید جدی‌تر از همه در این زمینه پاکستان است؛ به تعبیری: هراندازه پاکستان بتواند در حوزه اقتصادی افغانستان موفقیت بیشتری کسب کند، ایران به همان میزان متضرر خواهد شد؛ بندرهای کراچی و در پاکستان همواره رقیب بندر چابهار ایران در ترانزیت اقتصادی افغانستان بوده است. پاکستان در دوره نخست طالبان نخستین کشور نقش‌آفرین در معادلات اقتصادی و سیاسی افغانستان بود (یوسف زهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۸). روشن است که یکی از مهم‌ترین راه‌هایی که این مدت پاکستان بر افغانستان و بخصوص طالبان بیشترین نفوذ را داشته است، نفوذ این کشور در زمینه اقتصادی است که امروزه برای

پاکستان بازاری در تراز افغانستان وجود ندارد. چنین نفوذی باعث شده است که پاکستان در افغانستان سد راه تقریب و همگرایی میان اقوام و پیروان مذاهب مختلف افغانستان شود و این کشور همواره در تلاطم طوفان‌های افراطی‌گری سرگردان باشد. لذا برای تبدیل این تهدید به فرصت، بهترین راه برای جمهوری اسلامی گسترش راهبردی نفوذ اقتصادی با محوریت هزاره‌ها در لایه‌های مختلف بازار، صنعت، کشاورزی و معادن افغانستان است.

ج- در حوزه سیاست

تهدیدهای راهبرد تقریب در افغانستان در حوزه سیاسی لایه‌های متفاوت جهانی و منطقه-ای دارد. در بخش تهدید سیاسی در مقیاس جهانی، آمریکا را می‌توان ابر تهدید عنوان کرد؛ زیرا سیاست‌های این کشور در افغانستان همواره بر اساس نفرت پراکنی بین اقوام و مذاهب برای کنترل و گسترش هژمونیک سیاسی بوده است. به بیان یکی از اندیشمندان: اساس استراتژی آمریکا در منطقه خاورمیانه در طول نیم‌قرن گذشته همواره یکی از مهم-ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پویاها، فرایندها و سیر تحولات در این منطقه بوده است. فرصت واقعه ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ مرحله نوینی در سیاست آمریکا در خاورمیانه آغاز شد که شامل دو جنبه مهم بود: نخست تلاش برای تضعیف و یا در صورت امکان، تغییر در رژیم‌های کشورهای مخالف مانند عراق و ایران و دوم پیگیری سیاست تدریجی اصلاحات کنترل‌شده در کشورهای دوست و متحد استراتژیک سنتی اما اقتدارگرای این کشور (میرزائی، ۱۳۹۵: ۹۶). وجود تکثر قومی و مذهبی در شرق ایران و سر برآوردن گروه-های معارض مسلح با حمایت سیاسی و مالی آمریکا و ایدئولوژیک متحدان منطقه-ای آمریکا، در طول ۲۰ سال حضور آمریکا در افغانستان زمینه‌ساز بسیاری از نابسامانی‌های مرزی شده است (رفیع و بختیاری جامی، ۱۴۰۱: ۱۹). اکنون نیز نفوذ

اعراب به‌ویژه عربستان بر پاکستان، نفوذ بر طالبان، هماهنگی عربستان با غرب و آمریکا در ابعاد سیاسی و امنیتی می‌توانند زمینه‌ساز همکاری استراتژیک افغانستان با کشورهای حوزه خلیج فارس باشند (مشیر زاده و عارفی، ۱۴۰۰: ۳۳۸).

باید گفت که مک کریستال فرمانده آمریکایی با طرحی که ارائه داده بود، مناطق جنوبی افغانستان را از طالبان گرفت ولی به دلیل اینکه این کار سبب تضعیف موضع پاکستان به‌عنوان ایجادکننده و حامی اصلی طالبان شد، پاکستان از طالبان حمایت کرد و دوباره طالبان در جنوب افغانستان قدرت یافته (هدایتی شهیدانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۲). در این بین خروج آمریکا از افغانستان مبتنی بر سیاست کلان باز موازنه آمریکا و ایجاد فرصت رویارویی با رقبای هژمونیک در آسیا، اروپا و خلیج فارس است که با این حرکت سیاسی هم می‌تواند منابع و امکانات خود را به‌جای افغانستان در این مناطق متمرکز سازد و نیز برداشتن چتر امنیتی خود از افغانستان، زمینه ظهور و قدرت یافتن گروه‌های افراطی رادیکال را در این کشور به هدف ناامن سازی منطقه و درگیر سازی رقبای هژمونی خود فراهم سازد (سلیمانی پور لک، ۱۴۰۰: ۲۵۳). مبرهن است که دیدگاه گروه‌های افراطی نسبت به تقریب منفی است و ظهور مجدد این گروه در افغانستان تهدید جدی فراروی مباحث تقریبی در این کشور است.

بدتر اینکه در حال حاضر گروه دیگری موسوم به «ولایت خراسان» به‌عنوان شاخه‌ای از امارت اسلامی در افغانستان فعالیت می‌کند که حاکی از توانایی آنها در جذب گروه‌های افراطی و شبه‌نظامی و صدور تفکر رادیکال به خارج از مرزها و بخصوص ایران است (سلیمانی پور لک، ۱۴۰۰: ۲۴۹). لذا آنها قطعاً تهدید جدی و سدی مستحکم در مسیر تقریب در افغانستان است؛ زیرا اساساً قائل به نفی مذاهب دیگر و اقلیت‌ها از تمامی

ساختارهای این کشور است؛ بنابراین برای نیل به تقریب در افغانستان بایستی راهبرد جدید در مقابل آنها اتخاذ کرد.

قوت‌ها

نقاط قوت زیادی می‌توان برای تقریب در افغانستان برشمرد؛ ولی برای انسجام بیشتر مطالب، به احصاء آنها در قالب سه حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست می‌پردازیم.

الف- در حوزه فرهنگ

نقاط قوت زیادی در حوزه فرهنگ در افغانستان وجود دارند که می‌توان با استخدام آنها، بر توسعه راهبرد تقریب در این کشور اهتمام ورزید؛ اما برای جلوگیری از تطویل مطلب، به مهم‌ترین آنها در ادامه پرداخته می‌شود.

دین

دین مهم‌ترین عنصر تمدن‌ساز است. برخی از ادیان به‌ویژه دین اسلام، از ویژگی فراگیری و جهان-شمولی برخوردار است که مسلمانان با توجه به این خصیصه می‌توانند ارتباط مناسب با تمام ملل جهان برقرار نمایند. خاتمیت و جامعیت به‌عنوان دو عنصر سازنده که دین اسلام از آن برخوردار است، در حوزه فرهنگ به این معنا است که اسلام به سرپرستی تمام جوامع در طول تاریخ نظر دارد (پارسانیا، قدس، ۱۳۸۸: ۱۸). ملت افغانستان اکثریت پیرو دین اسلام است. بازگشت به بایسته‌های فرهنگ اسلامی به‌عنوان قطب تمدنی ارزشمند و تأثیرگذار در منطقه، می‌تواند نقطه قوت برای تقریب در حوزه

فرهنگی برای آحاد ملت افغانستان باشد و به عنوان ابزار ارزشمند برای عملیاتی‌سازی
ابرنامه تقریب در این کشور میان مذاهب اسلامی ساکن در آن مورد استفاده قرار گیرد.

هنر

افغانستان در طول تاریخ گذرگاه فرهنگ و هنر بوده است و کشوری است که در مسیر
جاده ابریشم قرار دارد. این کشور همواره محل پیوند تمدن‌های بزرگ جهان بوده و یکی
از مهم مراکز بازرگانی و فرهنگی عصر باستان به شمار می‌رفته است. موقعیت مهم و
حساس ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی افغانستان در شکل دادن موزاییک غنی از فرهنگ‌ها
و تمدن‌های بزرگ هم چون ایران، آسیا مرکزی، خاورمیانه و آسیای جنوبی در این کشور
نقش اساسی داشته است (هیبرت، کمبون، ۲۰۰۸). آثار هنری و تاریخی افغانستان آوازه
جهانی دارند تعداد قابل‌توجهی از آثار هنری و تاریخی افغانستان به‌عنوان میراث فرهنگی
جهانی در سازمان علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) در سال ۲۰۰۳ ثبت
گردیده است (جاویدی، ۱۳۹۷: ۱۶). تمرکز بر داشته‌های هنری در افغانستان سنیان و
شیعیان این کشور را براین امر واقف می‌سازد که اولاً چنین داشته‌های تاریخی مرهون
وحدت آن‌ها بوده است و در ثانی این حقیقت را به آنان القا می‌کند که قبلاً جزء خراسان
بزرگ بوده اند و با سایر ساکنان آن خطه تاریخی مثل مردم ایران و کشورهای آسیای
میانه در تشریک مساعی چنین آثار هنری را خلق کرده اند. لذا در صورت بازگشت به
وحدت و تقریب، دوباره می‌توانند چنین افتخاراتی کسب کنند.

زبان

زبان از طریق ایجاد مرزهای مشخص و افزایش حس قدرت و هویت، می‌تواند به‌عنوان
یک نقطه قوت در وحدت میان اقشار جامعه در افغانستان کمک نماید. زبان به‌عنوان

معیار هویت فرهنگی می تواند مبین حقانیت هویت مردم افغانستان باشد؛ زیرا توانمندی ها و توده های جدیدی به واسطه آن با یکدیگر مرتبط می شوند، به نحوی که تصور می شود این جماعت همواره با یکدیگر با هویتی مشترک در ارتباط بوده اند. در سرزمینی مانند افغانستان که قومیت، مذهب و زبان همواره دغدغه و محل نزاع گروه های انسانی بوده است، اکنون باید از قدرت زبان در جهت حفظ وحدت و اهداف راهبرد تقریب بین مذاهب استفاده کرد (بووا، ۲۰۰۲: ۳).

ب- در حوزه اقتصاد

رویکرد اقتصادی ایران در افغانستان در دوران جمهوریت ناشی از نگاه فرصت محور به افغانستان بود. بازار مصرف ۳۲ میلیونی افغانستان، اقتصاد کاملاً مصرفی این کشور، خو گرفتن ذائقه میلیون ها افغانستانی با کالاهای ایرانی و توانایی ایران در زمینه صدور خدمات فنی و مهندسی به افغانستان از جمله مهم ترین فرصت های حضور اقتصادی ایران در افغانستان بودند (عباسی و رنجبردار، ۱۳۹۰: ۲۲۴). به نظر برخی از صاحب نظران، خراسان جنوبی و غرب افغانستان در کنار سیستان و بلوچستان، قلب هارت لند آسیا هستند (یوسف زهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۰). مطابق با آمار وزارت زراعت افغانستان حداقل ۱۰ تا ۲۵ میلیون جریب زمین وجود دارد که قابلیت کشت و آبیاری را دارد ولی تاکنون دست نخورده باقی مانده است (مشیرزاده و عارفی، ۱۴۰۰: ۳۳۸). افغانستان در سال های اخیر جهش بزرگی در تولید زعفران داشته است، کیفیت زمین و آب کافی برای تولید زعفران در افغانستان زمینه را برای فعالیت های اقتصادی ایران در تولید این کالای استراتژیک در افغانستان فراهم سازد (یوسف زهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۰).

از آنچه بیان گردید مشخص شد که در افغانستان فرصت‌های بی‌نظیر اقتصادی برای فعالیت‌های ایران وجود دارد که این فرصت‌ها ناشی از وجود زمینه‌های عالی در این کشور برای سرمایه‌گذاری و کار اقتصادی است. اینکه افغانستان به‌طور بالقوه عرصه فعالیت‌های اقتصادی گسترده ایران به‌عنوان سردمدار حوزه تقریب است، نقطه قوت کشور افغانستان در زمینه پذیرش فعالیت‌های تقریبی از دریچه اقتصاد است. ناگفته پیداست که بازوی داخلی فعالیت‌های تقریبی ایران در افغانستان هزاره‌های شیعه در آن کشور است؛ بنابراین برای دستیابی به هدف راهبرد تقریب، لازم است استفاده از نقطه قوت و ظرفیت اقتصادی افغانستان با محوریت هزاره‌های افغانستان به‌عنوان شریک راهبردی و لاینفک جمهوری اسلامی باشد.

ج- در حوزه سیاست

باید گفت که اکنون که طالبان در افغانستان حاکم است و تمامی امور را به‌عنوان یک حاکمیت تمامیت-خواه در این کشور به دست دارد، در وهله اول به نظر می‌رسد هیچ روزنه‌ای برای اجرایی ساختن راهبرد تقریب در این کشور وجود ندارد؛ اما نباید از نظر دور داشت که در بسا مواقع، تهدیدها را می‌توان به فرصت و نقاط ضعف را به قوت تبدیل کرد که این امر مستلزم طرح و اجرای استراتژی عالی است. چنانچه برخی از اندیشمندان به این روزنه این‌گونه اشاره کرده‌اند که: طالبان مهم‌ترین همکار برای کشورهای ضد افراطی‌گری مثل روسیه و ایران در امر مبارزه با داعش در افغانستان است و این دو کشور همواره در تلاش برای حفظ روابط با طالبان هستند (هدایتی شهیدانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۴).

بنابراین هرچند طالبان نه قائل به تقریب هستند و نه می‌توانند به‌طور راهبردی شریک و همکار ایران باشند؛ با این وجود باید در نظر داشت که دشمن مشترک ایران و طالبان در حال حاضر داعش است که اکنون در حال سربازگیری در شمال افغانستان بوده و تلاش دارد تا افغانستان را به‌عنوان پایگاه و لانه قرار دهد و با استفاده از این جغرافیا راهبرد آمریکا را در ناامن‌سازی مرزهای چین و روسیه عملیاتی سازد. طالبان نیز با داعش در منازعه قدرت هستند و هرگز نمی‌خواهند با قدرت‌گیری داعش حکومت و قدرت دست داشته‌شان را به این زودی از کف بدهند. لذا در حال حاضر طالبان در شمال افغانستان با داعش در حال نبرد هستند. ایران نیز که دشمن ذاتی داعش بوده و در عراق و سوریه این گروه افراطی را ساقط کرد، می‌تواند با طالبان در زمینه مبارزه با داعش در افغانستان همکاری‌های مختلف نظامی و لجستیکی کند. این امر بیانگر نقطه قوت در پدیده تقریب در بستر افغانستان است که با استمرار همکاری‌های سیاسی ایران با طالبان، زمینه برای فعالیت‌های تقریبی و رشد و نفوذ شیعیان و هزاره‌های افغانستان نیز در تمامی عرصه‌ها فراهم شده و اقتدار شیعه در آن کشور محقق و نهایتاً مستحکم خواهد شد.

ضعف‌ها

همانند نقاط قوت، ضعف‌ها نیز خارج از ماهیت تقریب نیستند؛ در ادامه به بررسی نقاط ضعف تقریب در افغانستان در قالب فرهنگ، اقتصاد و سیاست پرداخته می‌شود.

الف- در حوزه فرهنگ

اهم مواردی که می‌توان به عنوان نقاط ضعف پدیده تقریب در افغانستان مطرح کرد عبارتند از:

علم

سرزمین افغانستان در طول تاریخ دانشمندان زیادی را به جهان اسلام و بشریت تحویل داده است، سابقه فرهنگی و تمدنی افغانستان از نظر علمی بسیار درخشان است؛ اما در پنجاه سال اخیر از جمله دوره اول حکومت طالبان، علاوه بر اینکه مدارس دولتی توسط این گروه بسته شدند، این گروه تغییرات اساسی در نظام آموزشی به وجود آورده بودند تا آنجا که یک سوم مضامین درسی را به علوم دینی اختصاص داده بودند. تعداد زیادی معلمان را اخراج و آن‌های که باقی مانده بودن، حقوق آن‌ها را نیز کاهش دادند (فرمانیان، همکاران، ۱۳۹۸: ۳۲۴). با این همه، بعد از سقوط طالبان و در طول بیست سال حضور آمریکا و حکومت جمهوری و مصرف میلیاردها دلار در افغانستان، زیرساخت‌های آموزشی و علمی افغانستان به صورت مناسب ایجاد و بازسازی نشده است و تمام مصارفی که از کشورهای کمک‌کننده است بیشتر حیف میل شدند. هم‌اکنون با سرکار آمدن امارت اسلامی طالبان با اینکه امنیت سراسری در افغانستان ایجاد شده است؛ اما زمینه‌ی تحصیل برای مردم افغانستان اعم از مرد و زن با توجه به فرهنگ اسلامی و جایگاه مردم افغانستان فراهم نشده است و این یکی از نقاط ضعف علمی به شمار می‌آید؛ زیرا در صورت ضعف در علم و آگاهی، زمینه برای فعالیت‌های تقریبی نیز خود به خود از بین می‌رود؛ چونکه جامعه‌ی بسته و بدور از آگاهی هیچگاهی با هم کنار نیامده و تعصب آنها نسبت به همدیگر کاهش نخواهد یافت.

زبان

زبان وسیله‌ای است برای جلوگیری از آشفته‌گی و پراکنده‌گی و جدایی. در طول تاریخ افغانستان، تمام مردم این سرزمین و اقوام و تیره‌های گوناگون آن، در یک وجه پررنگ

باهم‌دیگر هم‌اندیشی و هم‌آوایی داشتند، پنجاه درصد مردم افغانستان فارسی‌زبان است و چهل درصد هم پشتوزبان. اکثر پشتوزبان‌ها زبان فارسی را هم مثل زبان پشتو مسلط هستند. در پاره‌ای از تاریخ بر موضوعات سیاسی و تصمیم‌گیری در سرزمینی مانند افغانستان که دارای اقوام و زبان‌های مختلف هستند این تفاوت‌ها اکثر محل نزاع گروه‌های انسانی بوده است و بیشتر به عنوان نقطه ضعف تجلی پیدا کرده است (بووا، ۲۰۰۲: ۳). اکنون حکومت با یک سیاست زبان‌ستیزی با کنار زدن زبان فارسی و زبان‌های دیگر نظیر «ازبکی» از مراکز دولتی و مراکز علمی به صورت هدفمند، در ضعف زبان و فرهنگ می‌افزاید و این اقدامات زمینه تعامل سازنده و در پی آن فعالیت‌های تقریبی و وحدت در این کشور را با محدودیت‌های اساسی مواجه می‌سازد.

ب- در حوزه اقتصاد

همواره یکی از مشکلات اساسی افغانستان دسترسی نداشتن به آب‌های آزاد بوده است؛ تجارت خارجی این کشور در طول تاریخ از راه‌های ترانزیتی زمینی دره خیبر و دریایی بندر کراچی انجام شده است که پس از تجزیه هند و پاکستان در سال ۱۹۴۷ و بروز اختلافات عمده مرزی با پاکستان در خصوص مسئله پشتونستان و خط دیورند، دو مسیر ترانزیتی مذکور همواره به عنوان سلاحی علیه افغانستان از سوی پاکستان استفاده شده است (عباسی و رنجبردار، ۱۳۹۰: ۲۱۲). در این بین سیاست اقتصادی ایران با توجه به ظرفیت‌ها و نیازهای اقتصادی بازار افغانستان و تحریم‌های غربی می‌بایست در تسهیل مراودات تجاری تهران-کابل فارغ از مباحث ایدئولوژیک بیش‌ازپیش کوشا باشد؛ زیرا رویکرد ایدئولوژیک همچون دهه ۱۳۶۰ نمی‌تواند منافع و اهداف اقتصادی هر دو کشور ایران و افغانستان را محقق کند (یوسف زهی و سنایی، ۱۴۰۰: ۱۷۴). اختلافات ایران و افغانستان بر سر حجم و توزیع زمانی استفاده از رودخانه‌های مشترک در حال تبدیل شدن

به بحران است (سینایی و جمالی، ۱۳۹۷: ۷۰). در نتیجه حضور ۲۰ ساله آمریکا در افغانستان نیز داعیه دموکراسی پنج بحران تقلب انتخاباتی، فساد اداری، اقتصاد رانتی، ناامنی و بنیادگرایی را در افغانستان وارد یا تشدید کرد که هرکدام بر فرایند توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی در این کشور تأثیرات منفی گذاشت. البته مبانی هستی-شناسی طالبان هیچ سنخیتی با دموکراسی ندارد (سینایی و یوسف زهی، ۱۳۹۸: ۳۶۰). این موارد همه از نقاط ضعف عملیاتی سازی تقریب در افغانستان است.

نقاط ضعف تقریب از دریچه اقتصادی در افغانستان باعث شده است تا زمینه برای بروز تهدیدهای تقریب مثل دخالت پاکستان و آمریکا در امور افغانستان و نیز نفوذ ابر تهدید تقریب یعنی وهابیت در افغانستان به بهانه‌های واهی کمک‌ها مالی به مردم فقیر این کشور و پوشش معاش مساجد و مراکز تجمع جوانان افغان فراهم آید. نگارنده شاهد بوده است که جوانان زیادی از مردم افغانستان به دلیل فقر در دام حزب التحریر و وهابیت افتاده و برای امرار معاش در استخدام پاکستان برای تفرقه‌اندازی و دروغ‌پردازی در میان اهل سنت و تشیع درآیند. نمونه بارز سوءاستفاده عربستان از این خلأ، تأسیس مدرسه، دارالحفاظ، مسجد و دارالعلوم در شهرهای افغانستان به خصوص شهر هرات است تا مانع نفوذ ایران در این کشور شده و شعله نفاق و بدبینی بین اهل سنت و تشیع را روشن نگه دارد. برای غلبه بر این ضعف، نفوذ در نظام اقتصادی افغانستان بخصوص شهرهای بزرگی مثل هرات و کابل برای محرومیت‌زدایی با محوریت هزاره‌های شیعه افغانستان است تا هم تشیع در این کشور نبض اقتصادی را در دست گیرند و هم با دستگیری از برادران اهل سنت در افغانستان ضعف به قدرت تبدیل شده و شیعه ناجی پنداشته شود و این‌گونه زمینه فعالیت‌های تقریبی فراهم آید.

ج- در حوزه سیاست

به نظر می‌رسد، در سیاست نگاه به شرق ایران جایگاه و نقش مهم و استراتژیکی برای افغانستان تعریف نشده است و به‌جای آن به توسعه مناسبات سیاسی و تجاری با کشورهای چین، هند، پاکستان و روسیه تمرکز شده است، غافل از اینکه گستردگی و پیچیدگی روابط قدرت‌های مذکور با آمریکا و هم‌پیمانان آن، مانعی برای برقراری همکاری راهبردی آن‌ها با کشورهای مخالف هژمونی غرب مثل ایران است؛ لذا تعامل این کشورها با ایران در بسیاری از مواقع مقطعی بوده است (یوسف زهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۰). دلیل این امر شاید این باشد که در دستگاه تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ایران نسبت به مسائل افغانستان تضاد، تعارض و رقابت وجود دارد که در تمامی مراحل تصمیم‌سازی نسبت به افغانستان تأثیرات منفی گذاشته و مانعی برای اخذ و اجرای تصمیم‌های مؤثر و استراتژیک سیاسی درزمینه افغانستان است. این امر موجب فرصت‌سوزی، تبدیل فرصت‌ها به تهدید می‌شود. (شفیعی، ۱۳۸۲: ۸۴۸). هرچند در حال حاضر ایران و طالبان به‌صورت مقطعی توانسته‌اند به همزیستی مسالمت‌آمیز دست یابند، اما پتانسیل روابط خصمانه آن‌ها به دلیل دیدگاه‌های ایدئولوژیک متعارض همچنان باقی است. اکثر شبه‌نظامیان سنی، شیعه‌گری ایران را بدعت می‌دانند؛ تمایل طالبان به تسری دادن مفکوره‌شان به خارج از مرزهای افغانستان و مرزهای طولانی با ایرانی از سوی دیگر، ایران را به آسیب‌پذیرترین همسایه در مقطع پساخروج آمریکایی‌ها از افغانستان تبدیل کرده است (سلیمانی پور لک، ۱۴۰۰: ۱۵۲).

در کنار ضعف‌های فوق نباید از نظر دور داشت که سلطه گروه طالبان در افغانستان در درجه اول بزرگ‌ترین تهدید برای امنیت ملی ایران (به‌عنوان راهبر تقریب) در همه ابعاد محسوب می‌شود (رفیع و بختیاری جامی، ۱۴۰۱: ۲۰)؛ زیرا عقاید این گروه نسبت به

ایران دیدگاه منفی دارند و شیعیان افغانستان نیز از این نوع نگاه بی‌نصیب نیستند. چنانچه به نظر رهبران طالبان، لازم است تا دولت اسلامی ملتزم به یک مذهب خاصی باشد که تمامی ساکنان آن مملکت و یا اکثریتشان ملتزم به آن هستند؛ بنابراین دولت افغانستان مکلف است تا به مذهب حنفی در محاکمات و سایر شئون زندگی عمل نماید (حقانی، ۱۴۰۱: ۵۰). بر اساس ایدئولوژی این گروه، دولت نباید برای اقلیت‌ها در مقام قضا هیچ‌گونه امتیازی را بدهد، چون سهم ساختن اقلیت‌ها در مقام قضا، موجب تضعیف دولت می‌شود (پیشین، ۱۴۰۱: ۵۳). از نظر برخی رهبران مذهبی، هزاره‌ها مسلمان نیستند؛ بنابراین یا باید صد درصد مسلمان شوند (سنی حنفی شوند) و یا نزد برادران خود در ایران بروند و یا هم باید بمیرند؛ ملا عبدالمنان نیازی خطاب به هزاره‌ها در شهر مزار شریف گفته بود: هر جایی که بروید شما را دستگیر می‌کنیم، اگر در آسمان بروید از پایتان و اگر در زمین فرو روید از مویتان گرفته و شما را می‌کشیم، یا باید صد درصد مسلمان شوید و یا اینکه به ما جزیه و باج بدهید (فرمانیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۲۶).

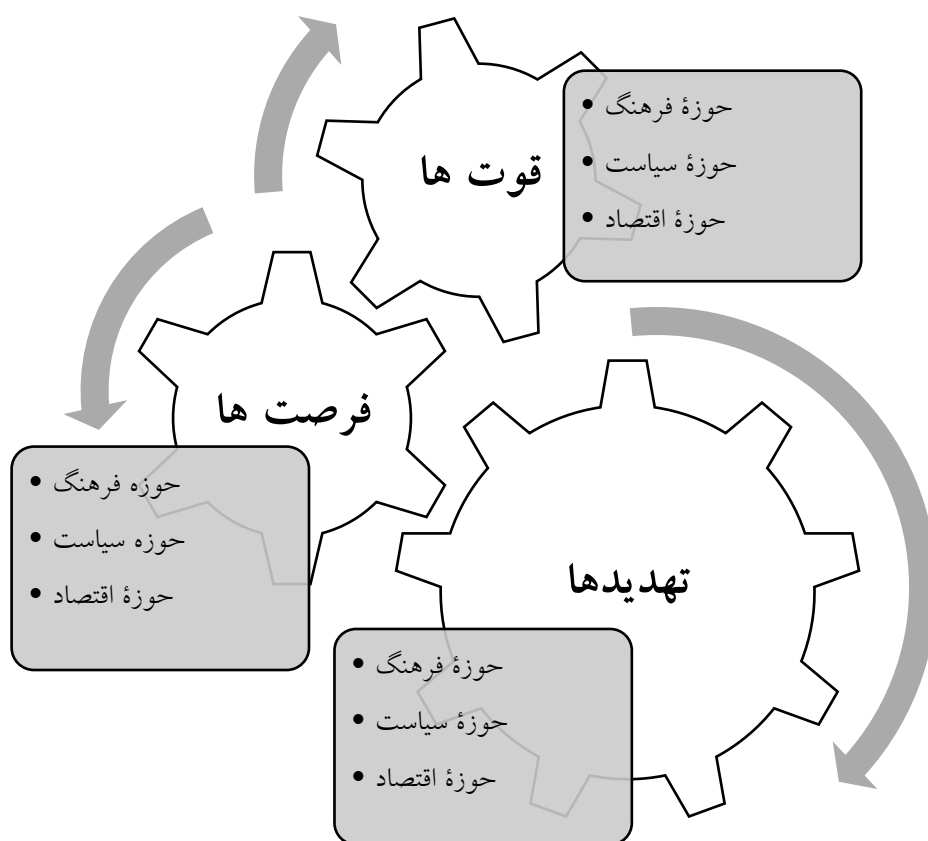
تمام آنچه بیان گردید بیانگر ضعف‌های اساسی در بستر افغانستان برای عملیاتی کردن تقریب از دریچه سیاسی است؛ اما با این وجود در صورت استفاده درست از فرصت‌ها و قوت‌ها در سایر زمینه‌ها، می‌توان این ضعف را نیز به قوت تبدیل کرد؛ زیرا با حمایت از طیف معتدل و تلاش برای تضعیف و یا نابودی دفعی و تدریجی طیف افراطی، می‌توان از دیدگاه‌های افراطی و مواضع تند آنان نسبت به هزاره‌ها و شیعیان افغانستان کاست و زمینه را برای نفوذ در قلب حاکمیت برای انجام فعالیت گسترده تقریبی و تعاملی فراهم آورد. البته این امر مستلزم صرف منابع و امکانات فراوان و سرمایه‌گذاری راهبردی روی نیروی انسانی هزاره‌ها به عنوان نیروی وفادار به آرمان‌های تقریب است.

نتیجه گیری

با توجه بدانچه بیان گردید، به نظر می‌رسد با مدیریت درست تقریب در افغانستان و طرح راهبرد مناسب در این خصوص که برآمده از تحلیل سوات و بررسی درست نقاط ضعف، قوت، فرصت‌ها و تهدیدها باشد، می‌توان به اهداف استراتژیک تقریب در این کشور دست یافت. تمرکز فعالیت‌ها و اقدامات تقریبی بایستی در سه حوزه فرهنگ، اقتصاد و سیاست محدود گردد. جدول و شکل زیر نمایانگر تحلیل سوات در مدیریت راهبردی تقریب در افغانستان است.

حوزه‌ها	حوزه فرهنگ	حوزه اقتصاد	حوزه سیاست
نقاط قوت	زبان + دین + هنر	بازار وسیع افغانستان + محبوبیت کالای ایرانی + همکاران داخلی دلسوز	اسلام سیاسی در افغانستان + استکبار ستیزی توده و حاکمیت در افغانستان
نقاط ضعف	دانش + زبان	حصر افغانستان در خشکی + نبود زیرساخت های اقتصادی + دور بودن هزاره ها و شیعیان از اقتصاد افغانستان	افراط گرایی در افغانستان + عدم اولویت مسائل افغانستان برای ایران + دور بودن شیعیان افغانستان از قدرت

فرصت‌ها	زبان + دانش	سرمایه گذاری (کشاورزی و دامداری) + بازسازی + تجارت + استخراج معادن	خطر داعش + وجود دشمنان مشترک مثل استکبار و رژیم صهیونیستی + داعیه مشترک دین سیاسی
تهدیدها	دین + آموزش + زبان	طرح خاورمیانه بزرگ + رقبای جهانی، منطقه‌ای و همسایگان	افراط گرایی در افغانستان + کشورهای حامی افراطی‌گری + نفوذ سرویس‌های امنیتی خارجی در افغانستان



منابع

۱. ابراهیم پور حیدر، بررسی نقش مدیریت استراتژیک در کارآفرینی سازمانی، پژوهش‌های مدیریت، ۱۳۹۰ شماره ۹.
۲. اسماعیل‌زاده یاسر، نگرشی به وحدت و تقریب مذاهب در سیره و گفتار امام رضا (ع) فصلنامه فرهنگ رضوی، ۱۳۹۴، شماره ۱۵.

۳. بابای محمدباقر، جنگ نرم گونه شناسی عملیات روانی، معاونت فرهنگی تبلیغات دفاعی نیروی‌های مسلح، ۱۳۸۷، شماره ۳.
۴. باهوش فاردقی، محمود، بررسی قدرت نرم در سیاست بین‌الملل با تکیه بر سیاست نرم‌افزارانه‌ی آمریکا در افغانستان، فصلنامه سیاست، سال دوم، شماره ۵، بهار ۱۳۹۴، صص ۹۹-۱۱۴.
۵. بختیاری، محمد عزیز، شیعیان افغانستان، قم مؤسسه شیعه شناسی، سال ۱۳۸۵.
۶. بووآ راسل، زبان شناسی تاریخی، فصلنامه زبان و تمدن دانشگاه جورجیا، مترجم ابوالفضل جمشیدی، ۲۰۰۲، شماره ۳.
۷. پارسانیا حمید، رنسانس دینی فرصت‌ها و تهدیدها، فصلنامه قدس، ۱۳۸۸، شماره ۱۲.
۸. تسخیری محمدعلی، اندیشه تقریب، فصلنامه هفت‌آسمان، ۱۳۸۷، شماره ۱۹.
۹. جاویدی غلام‌رضا، آثار تاریخی بامیان ثبت‌شده در یونس کوه، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت و علوم، ۱۲۹۷، شماره ۶.
۱۰. حاجیان، خدیجه، دیپلماسی فرهنگی: مطالعه موردی کشورهای افغانستان و تاجیکستان، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه هنر و ارتباطات، ۱۳۹۴.
۱۱. حقانی، شیخ عبدالکریم، امارت اسلامی افغانستان، تأییدیه: امیرالمؤمنین شیخ مولانا هبت الله آخوندزاده، مترجم: دکتر محمد صالح مصلح، چاپ اول، هلند، انتشارات شاه مامه، ۱۴۰۱.
۱۲. رامیار، جواد و همکاران، نقش کمک‌های خارجی در توسعه اقتصادی-اجتماعی افغانستان، دو فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.

۱۳. رفیع، حسین، بختیاری جامی، محسن، هژمونی آمریکا در افغانستان و چالش امنیت در شرق ایران (۲۰۰۱-۲۰۲۱)، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، سال ۱۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱، صص ۱-۲۳.
۱۴. زرقانی، سید هادی، اعظمی، هادی، لطفی، امین، بررسی شیوه‌ها و سیاست‌های مدیریت مرزها و نقش آن در امنیت مرز (نمونه موردی: مرزهای شرقی ایران)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۰۲، صص ۸۳-۱۰۸.
۱۵. سلیمانی پور لک، فاطمه، خروج آمریکا از افغانستان؛ بازتاب استراتژی باز موازنه، فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۳، شماره ۲، زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۳۳-۲۵۸.
۱۶. سینا یعقوب، جایگاه زبان فارسی دری در افغانستان، فصلنامه فرهنگستان، ۱۳۹۸. شماره ۱.
۱۷. سینایی، وحید، جمالی، جواد، دیپلماسی اقتصادی ج.ا.ایران در افغانستان و مدیریت اختلافات آبی دو کشور (با کاربری رویکرد اقتصاد نهادگرا)، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز ۱۳۹۷، صص ۶۹-۹۳.
۱۸. سینایی، وحید، یوسف زهی، ناصر، سنجش وضعیت توسعه اقتصادی افغانستان در عصر دموکراسی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷، دو فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۲ شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۳۴۵-۳۶۳.

۱۹. شفيعی، نوذر، ارزیابی راهبرد سياست خارجي جمهوری اسلامی ایران در افغانستان، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۲، صص ۸۲۶-۸۵۱.

۲۰. شیر خانی، محمدعلی، سبجانی، مهدی، اقتصاد سیاسی نظامی‌گری و مداخله نظامی آمریکا در افغانستان، فصلنامه سیاست، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۱۷-۱۳۴.

۲۱. عباسی، ابراهیم، رنجبردار، مجید، کمک‌های مالی ایران به افغانستان: اهداف و آثار اقتصادی آن، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰، صص ۱۹۵-۲۲۹.

۲۲. عباسی، ابراهیم، رنجبردار، مجید، کمک‌های مالی ایران به افغانستان: اهداف و آثار اقتصادی آن، فصلنامه روابط خارجی، سال ۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰، صص ۱۹۵-۲۲۹.

۲۳. فردیک هیبرت و پیتز کمون، گنجینه پنهان افغانستان از موزیم کابل، جئو گرافیک واشینگتن، ۲۰۰۳.

۲۴. فرمانیان، مهدی و همکاران، جریان‌شناسی سلفی‌گری معاصر، چاپ اول، قم، دارالاعلام لمدرسه اهل البيت، ۱۳۹۸.

۲۵. کشیل دلیو، اربابان استراتژی، انتشارات بارزگانی هاروات، سال، ۲۰۱۰.

۲۶. مشیرزاده، حمیرا، عارفی، مهدی، چرخش در سیاست خارجی افغانستان در دوره اشرف‌غنی: رویکرد ادراکی، دوفصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۳۲۲-۳۴۵.

۲۷. مهدی فرمانیان و جمعی از نویسندگان، جریان شناسی سلفی گری معاصر، قم انتشارات دارالاعلام، سال ۱۳۹۸، نوبت اول.

میرزائی، محمدمهدی، استراتژی آمریکا در افغانستان و علل عدم موفقیت سیاست‌های آن کشور، فصلنامه سیاست، سال سوم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۹۵، صص ۷۹-۹۹.

۲۸. ناصری داودی عبدالمجید، مشاهیر تشیع در افغانستان، قم انتشارات بین‌المللی المصطفی، سال ۱۳۹۰.

۲۹. نصیری یار محمد، سه رویکرد برتر در مدیریت استراتژیک، ماهنامه تدبیر، ۱۳۸۸، شماره ۱۷۳.

۳۰. هدایتی شهیدانی، مهدی، پادروند، مهدی، عزتی، محسن، بررسی هم‌پوشانی سیاست خارجی روسیه و ایران در افغانستان با توجه به تحولات نوین خاورمیانه (۲۰۱۶-۲۰۱۷)، ماهنامه آفاق علوم سیاسی، شماره ۷، آبان ۱۳۹۶، صص ۵۵-۶۶.

۳۱. هدایتی شهیدانی، مهدی، سلمان زاده، میلاد، بابایی، محمدرضا، واکاوی سیاست خارجی ترامپ نسبت به افغانستان با تأکید بر توافق‌نامه صلح با طالبان در سال ۲۰۲۰، دو فصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۳۷-۱۵۲.

۳۲. وامقی روشنک، مرندی، سید علی‌رضا، سجادی فیروزه، تحلیل راهبردی وضعیت موجود در خصوص کودکان خردسال ایرانی، swot فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳۸۹، شماره ۳۵.

۳۳. یوسف زهی، ناصر، سنایی، وحید، کشورداری اقتصادی توسعه ایران در افغانستان (روایتی صدساله ۱۲۹۸-۱۳۹۸ ش)، فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۱۱، شماره ۳۸، بهار ۱۴۰۰، صص ۱۵۴-۱۷۹.
۳۴. یوسف زهی، ناصر، فرزانه پور، حسین، بخشی، احمد، آسیب‌شناسی روابط بازرگانی ایران و افغانستان از منظر رهیافت اقتصاد سیاسی (۲۰۰۱-۲۱۸)، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۱۳، شماره ۲، بهار ۱۳۹۷، صص ۱۸۷-۲۲۴.
۳۵. یوسف زهی، ناصر، فرزانه پور، حسین، بخشی، احمد، جایگاه جغرافیای اقتصادی خراسان جنوبی در نمود ایده‌ی اقتصاد شرقی ایران (با تأکید بر افغانستان)، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال ۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷، صص ۶۹-۹۹.